

تحلیلی بر حکم نقاء متخلل (با تأکید بر مستمسک عروه الوثقی)

لیلا خلیج^۱

چکیده

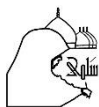
نقاء متخلل یکی از مباحث مهم فقهی است و در اصطلاح، به معنای پاکی است که در خلل و اثنا و در بین ایام حیض بوده و زمان آن کمتر از ده روز است. در اینکه آیا این ایام ملحق به حیض است یا طهر، بین فقها اختلاف نظر است. آیات و مراجع عظام، نقاء متخلل را یا منطبق با نظر مشهور مبنی بر حیضیت قرار داده اند یا بنا بر نظر صاحب حدائق به طهر حکم کرده اند و یا چون صاحب عروه به احتیاط عمل نموده‌اند. در این خصوص نظرات مختلف فقها و مستندات هر یک در مستمسک عروه الوثقی، با نیم نگاهی بر حدائق الناظره و تنقیح، مورد بررسی قرار گرفته است که البته تتبع مورد نظر به روش کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از منابع دیجیتال و سایت‌های مختلف بعمل آمده و از مباحث خارج فقه مستفید گشته است. ثمره‌ی نقاء متخلل، در اعمال عبادی، خصوصاً اعمال عمره‌ی مفرده و حج بسیار حائز اهمیت است و روشن است این بحث فقهی التفات در خور توجهی را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: نقاء متخلل، حیض، فقه، عروه الوثقی

مقدمه

نقاء متخلل یکی از مباحث مهم فقهی است و حکم آن مورد اختلاف فقها است. از آنجا که بیشترین ثمره این بحث در بین عبادات علاوه بر صلاه و صیام در عمره-ی مفرده و تمتع مترتب است لازم است با تامل و دقت نظر بیشتری به آن توجه گردد. از این رو در تدوین مبانی این موضوع، این نوشتار تتبع خود را به روش کتابخانه‌ای و بهره‌مندی از منابع دیجیتال، در میان کتب تخصصی و دست اول به

^۱ دانش پژوه سطح چهارم. مجتمتع علوم اسلامی کوثر، leilakhalaj@gmail.com





کتاب مستمسک عروه اثر سید حکیم طباطبایی اختصاص داده است که این کتاب شرحی بر عروه الوثقی سید کاظم یزدی است. مطالب مطروحه بصورت پراکنده در چند مسئله در بخش احکام حیض این کتاب گرد آمده است. فقهای دیگری چون مرحوم یوسف بحرانی در کتاب حدائق الناظره و مرحوم خوبی در کتاب تنقیح، همچنین خانم صفاتی در شرح خود بر عروه، نقد تحلیل های در خور توجهی ایراد کرده‌اند که ضمیمه می‌گردد. نظرات و فتاوی فقهای معاصر نیز مطمح نظر بخش دیگری از این مقاله است. در خصوص نقاء متخلل، کمتر کسی مقاله علمی و تخصصی نگاشته است. امید است تلاش مزبور مورد استفاده قرار گیرد.

چیستی نقاء متخلل

مفهوم نقاء متخلل در لغت: نقاء، جمع نقی به معنای پاکی است (فراهیدی، ۱۳۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۱۹) و متخلل، اسم فاعل از تخلل می‌باشد و از ماده‌ی خلل به معنای فرجه‌ای است که در آن دقت است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۳۴) در فرهنگ لغت به معنی دارای خلل (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۷۴) و دارای سوراخ‌ها، فضاهای خالی و حفره‌ها آمده است.

(معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۷) و به معنای پاگیری آمده است.

مفهوم نقاء متخلل در اصطلاح: «نقاء متخلل» یک واژه‌ی ترکیبی و مصطلح بین فقها می‌باشد که مفهوم آن در منابع فقهی ذکر نشده است؛ و آن «پاکی است که در خلل و اثنا و در بین ایام حیض بوده و زمان آن کمتر از ده روز باشد.»

تحلیل حکم نقاء متخلل

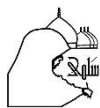
مرحوم حکیم در مستمسک که شرحی بر عروه است، پس از بیان نظر سید کاظم یزدی، اشاراتی به نظرات مشهور و صاحب حدائق نموده است. نظر ایشان با قول مشهور که نقاء متخلل را محکوم به حیضیت دانسته است همراه بوده و نظر صاحب حدائق را که حکم به طهر کرده و مستندات آن ارائه داده است که فرا روی برخی فقها

نیز قرار گرفته را مورد انتقاد قرار داده است. در اینجا قول به حیضیت و طهر بودن نقاء متخلل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تحلیل و محتوای نظر مشهور

دلیل قول مشهور وجود مقتضی و فقد مانع است و مقتضی اطلاقات است. مثل روایاتی که یونس از بعضی رجال از ابی عبدالله (ع) نقل کرده است: «اقل الطهر عشرة و لایکون الطهر اقل من عشرة» و این اطلاقات را صاحب حدائق نیز پذیرفته است. مرحوم خوئی در تنقیح خود، روایات «اقل الطهر عشرة» و «لایکون الطهر اقل من عشرة» را مهم ندانسته و مهم در استدلال را مثل صحیح محمد بن مسلم «من حیضه الأولى» را قرار داده است و فرموده که این روایت دلیلی بر این است که نقاء حیض است. چون حضرت فرمود اگر خون دید و بعد قطع شد و بعد دوباره خون دید من حیضه الأولى است و یک حیضه بیشتر نیست و حیض ظهور در استمرار دارد پس این مدت نقاء هم حیض است. برخی این استدلال آقای خوئی را رد کرده اند و معتقدند: همان طور که در ذهن عرفی است و أيضاً صاحب حدائق هم آن را فهمیده این است که آن خون جدید به ضمیمه خون قدیم یک حیض می‌شود و روایه نسیبه به این مدت نقاء ساکت است. (گنجی، همان)

برخی بر این استدلال هستند که: پاکی بین ایام حیض طهر واقعی نیست؛ بلکه جزء حیض محسوب می‌شود و این طهر در ایام حیض در واقع طهر نیست؛ چون در ایام حیض واقع شده است و خروج خون در این ایام موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقت دارد تا احکام حیض بر آن مترتب شود، بنابراین نقاء متخلل ملحق به ایام حیض می‌شود. (صفاتی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۳)



۲- نظر صاحب عروه

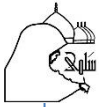
آنچه سید کاظم یزدی، صاحب عروه الوثقی، ذیل مسأله شش و هفت و سیزده و هجده احکام حیض آورده است، در واقع بیان حکم نقاء متخلل به احتیاط است. ایشان در مسأله شش می فرماید: اقل حیض، سه روز و اکثر آن ده روز است. پس اگر خون دید به مقدار یک روز یا دو روز یا سه روز، حتی یک ساعت کمتر، هیچ کدام حیض نیست.

هم چنان که اقل طهر ده روز است. و اکثرش حدی ندارد. و کفایت می کند در حیض بودن خون، هر گاه سه روز ملفق باشد. به این معنی که در وسط روز خون ببیند تا وسط روز چهارم و مشهور اعتبار کرده اند در سه روز اقل حیض، توالی ایام را که بعد از تحقق سه روز متوالی در اول کفایت می کند.

ایشان در ادامه به دو مطلب اشاره می کند؛ در حیض بودن بقیه ایام، دیدن خون هر چند متفرق باشد. پس هر گاه سه روز متفرق در بین ده روز خون ببیند، کفایت نمی کند در حیضیت. لکن محل اشکال است پس ترک نشود احتیاط به جمع کردن ما بین اعمال مستحاضه و تروک حائض در آن ایام.

نیز شرط کرده اند استمرار خون در سه روز مذکور اگر چه در باطن باشد بر وجهی که هر وقت پنبه بگذارد و بیرون آورد، خون آلود باشد لکن اقوی کفایت استمرار عرفی است. به این معنی که فترات یسیره در بین، ضرر به استمرار ندارد بلکه با عدم استمرار عرفی نیز، همین که در هر سه روز مقدار معتدّ به ببیند که صدق کند که سه روز خون دیده، مراعات احتیاط را ترک نکند به شرط این که سه روز کمتر نشود به این که در اول روز اول و آخر روز آخر دیده شود و الا لازم می آید که کمتر از سه روز شود و شبهای متوسط داخل است؛ پس بنا بر این استمرار باید در آنها نیز دیده شود و اما شب اول و شب چهارم، پس خارج است به معنی این که کفایت می کند دیدن سه روز و دو شب در بین. بلی! در سه روز ملفق سه شب در بین محسوب است. (یزدی طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱۸)





ایشان در مسأله‌ی هفت بعد از اشاره به این که اقل طهر ده روز است، می‌فرماید: هر گاه بعد از حیض سابق، روز نهم یا دهم خون ببیند، محکوم به حیضیت نخواهد بود. و اما اگر روز یازدهم ببیند، اگر مانعی دیگر نداشته باشد، محکوم به حیض است. و مشهور اعتبار این شرط کرده‌اند یعنی فاصله شدن ده روز را ما بین دو حیض و لهذا گفته‌اند که اگر سه روز خون دید و یک روز یا زیادتر بعد از آن خون منقطع شد، پس از آن باز خون دید و سر ده روز منقطع شد گفته‌اند مجموع یک حیض است. (همان، ص ۳۲۰)

طهر متوسط نیز حیض است و آلا لازم می‌آید که مدت طهر، اقل از ده روز باشد. و آن چه مشهور گفته‌اند محل اشکال است بلکه مسلم آن است که ما بین این دو حیض، کمتر از ده روز فاصله نمی‌شود. و اما ما بین اجزاء یک حیض پس معلوم نیست، لذا در پاکی متخلل در بین؛ احوط مراعات احتیاط به جمع ما بین وظیفتین است. وی در مسأله‌ی سیزده در فرض عادت می‌فرماید: هر گاه دو حیض ببیند که در هر یک، نقاء متخلل باشد مثل این که سه روز خون ببیند بعد پاک شود یک روز، پس باز دو روز دیگر ببیند، آیا نقاء نیز جزء عادت او است پس در مثال مفروض عادت او شش روز می‌شود یا نه؟ اظهر این است که عادت او مقدار ایام دم است که در این مثال پنج روز باشد. و قول به جزئیت نقاء، ضعیف است. و اضعف از آن است آن چه از بعض دیگر نقل شده که نقاء و ما بعد آن، هر دو خارج است. پس در مفروض عادت او سه روز است. و بنا بر مختار هر گاه دم تجاوز کند پنج روز متصل را، حیض قرار می‌دهد و عادت نسبت به نقاء ثابت نمی‌شود پس لازم نیست که در وقت رجوع در یک روز، حکم نقاء را جاری کند که احتیاط به جمع است بنا بر آن چه سابقاً ذکر شد. (همان، ص ۳۲۴)

سپس در مسأله‌ی هجده تتمه‌ی بحث نقاء متخلل و در توضیح نظر خود، چنین بیان می‌دارد: اگر سه روز متوالی یا بیشتر خون ببیند و بعد قطع شود باز سه روز



یا بیشتر ببینند؛ اگر مجموع طرفین و نقاء متخلل از ده تجاوز نکرده؛ طرفین حیض است. و در نقاء متخلل باید احتیاط کند به جمع ما بین وظیفه حائض و طاهر. و اگر مجموع از ده تجاوز کرده پس هر یک از دو خون طرفین که در عادت است حیض است. و اگر هیچ یک در عادت نیست پس اگر احدهما، واجد صفات است دون دیگری؛ آن را حیض قرار دهد و الا احوط حیض قرار دادن خون اول است. و اگر بعض احدهما در عادت است آن را حیض قرار دهد و اگر بعض از هر یک در عادت است، پس هر گاه مقدار واقع در عادت اول، سه روز کمتر نیست طرفین عادت را استحاضه و مقدار عادت از طرفین را حیض قرار دهد و در نقاء متخلل احتیاط کند. و هر گاه آن چه در عادت واقع شده از طرف اول از سه روز کمتر باشد، باید احتیاط کند در جمیع ایام دمین [خونها] و نقاء متخلل به جمع ما بین وظیفتین. (همان)

۳- نظر صاحب حدائق

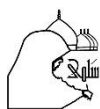
در نقطه مقابل قول مشهور، مرحوم صاحب حدائق، مقتضی (طهر کمتر از ده روز نیست) را که مشهور ایراد کردند، پذیرفته و لکن به چند طائفه از روایات استدلال کرده که مقید این اطلاقات است. ایشان همانطور که سید کاظم یزدی در مسئله هفت و هجده بیان نمود، می‌فرماید: نقائی که بین ایام خون متفرق است طهر می‌باشد و حیض اختصاص به خون متقدم-متأخر دارد... و از جمع بین روایاتی که دلالت می‌کند، نقاء متخلل طهر است و اخباری که اقل طهر را ده روز می‌داند، حمل می‌شود بر این که اخبار اقل طهر اختصاص به طهر بین دو حیض مستقل دارد. به این ترتیب، منافاتی ندارد که نقاء بین یک حیض هم طهر باشد، (بحرانی، همان، ص ۱۶۰)

مستندات حکم نقاء متخلل

در یک تقسیم بندی کلی، استدلال صاحب حدائق، به سه دسته از روایات به این ترتیب است: دسته اول: روایاتی که بیان می کنند؛ زن وقتی خون دید نماز را ترک کند و وقتی خون قطع شد نماز بخواند. صحیحه یونس بن یعقوب، قال: «قلت لابی عبدالله علیه السلام المرأة ترى الدم ثلاثة أيام أو أربعة؟ قال عليه السلام: تدع الصلاة قلت فإنها ترى الطهر ثلاثة أيام أو أربعة؟ قال: تصلى، قلت فإنها ترى الطهر ثلاثة الصلاة أو أربعة؟ قال: تصلى قلت: فانها ترى الدم ثلاثة أيام أو أربعة؟ قال تدع الصلاة، تصنع ما بينها و بین شهر فإن إنقطع الدم عنها و إلا فهی بمنزله المستحاضه...» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۹۹)

عن داود مولى أبی المغراء العجلی عن ابن خبیره عن أبی عبدالله (ع): «... قال إذا ردت الدم أمسکت و إذا رأته الهر صلت...» (همان، ص ۲۹۶) و عن أبی بصیر قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن المرأة ترى الدم خمسة أيام و الهر خمسة یام وترى الدم أربعة أيام و ترى الهر ستة أيام فقال: «إن رأته الدم لم تصل و إن رأته الهر صلت ما بينها و بین ثلاثین یوما...» (همان، ص ۲۸۶)

به عقیده صاحب حدائق این روایات چون در زمان پاکی حکم به عبادت می کنند پس هر وقت زن خون ندید اگرچه بین دو خون در یک حیض هم باشد، پاکی محسوب می شود. حکیم معتقد است؛ اگر طبق مسلک صاحب حدائق بخواهیم با استناد روایت ابی بصیر و یونس بن یعقوب بگوییم نقاء طهر است. آیا سه یا چهار روز را حیض مستقل قرار دهیم یا مجموع آن ها را حیض قرار دهیم پس ایام حیض از ده روز بیشتر می شود در نتیجه همه این خون ها نمی شود حیض باشد. برای این که زیادت از ده روز می شود پس باید به حکم ظاهر ی حملش کرد. ضمن اینکه





روایت داود مولیٰ ابی المغراء سندش هم ضعیف است. (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۰۶) و (الامام خوئی، ۱۴۱۸، ج ۷، ص ۱۱۵)

برخی نیز معتقدند: این روایات حمل شده می شود بر مواردی که زن عادتش را گم کرده و فاقد عادت است پس ایام نقاء را طهر و ایام دیدن خون را، حیض می شمارد و حکم به نماز خواندن، حکم ظاهری است که در این مواقع امام (علیه السلام) رعایت احتیاط را لازم می دانند. (صفاتی، همان، ص ۱۰۵)

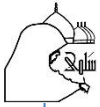
دسته دوم: روایاتی که بیان می کنند اگر قبل از ده روز خون دید از حیض اول و اگر بعد از ده روز خون دید از حیض دوم است. عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال: إذا رأَت المرأة الدم قبل عشرة أيام - فهو من الحيضه الاولى - وإن كان بعد العشره فهو من الحيضه المستقبله (حرعاملی، ج ۲، ص ۲۹۸) صاحب حدائق می گوید: این روایت دو تا عشره دارد عشره قسمت دوم روایت مربوط به دو حیض است. و عشره قسمت اول مربوط به یک حیض برای اینکه خون قطع نشده پس آن خونی که زن می بیند حیض است و زمانی که زن پاک شد از حیض پس طهر است. (بحرانی، همان، صص ۱۶۳-۱۶۲) آیت الله حکیم (ره) می گوید: در این روایت، عشره اجمال دارد معلوم نیست عشره از مبدأ حیض یا از زمان انقطاع است. از این رو، از حجیت ساقط می شود.

نیز روایت در مقام بیان طهر به این کیفیت نیست. بلکه در مقام بیان طهر ده روز بین دو حیض می باشد. (صفاتی، همان) روایات دیگری از جمله روایت یونس عبد الرحمن تأییدی بر این است. (حرعاملی، همان، ص ۲۹۹) که در ذیل خواهد آمد.

استدلال صاحب حدائق

صاحب حدائق به دو فقره از روایت ذیل استدلال می کند؛ " وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي حَدِيثٍ: « فَإِذَا رَأَتِ الْمَرْأَةُ الدَّمَ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا تَرَكْتَ الصَّلَاةَ فَإِنْ اسْتَمَرَّ بِهَا الدَّمُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهِيَ حَائِضٌ وَإِنْ انْقَطَعَ الدَّمُ بَعْدَ مَا رَأَتْهُ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ اغْتَسَلَتْ وَ صَلَّتْ وَ انْتظَرَتْ مِنْ يَوْمٍ رَأَتْ الدَّمَ إِلَى عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَإِنْ رَأَتْ فِي تِلْكَ الْعَشْرَةِ أَيَّامٍ مِنْ يَوْمٍ رَأَتْ الدَّمَ يَوْمًا أَوْ يَوْمَيْنِ حَتَّى يَتِمَّ لَهَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَذَلِكَ الَّذِي رَأَتْهُ فِي أَوَّلِ الْأَمْرِ مَعَ هَذَا الَّذِي رَأَتْهُ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْعَشْرَةِ هُوَ مِنَ الْحَيْضِ وَإِنْ مَرَّ بِهَا مِنْ يَوْمٍ رَأَتْ الدَّمَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَ لَمْ تَرَ الدَّمَ فَذَلِكَ الْيَوْمُ وَ الْيَوْمَانِ الَّذِي رَأَتْهُ لَمْ يَكُنْ مِنَ الْحَيْضِ إِنَّمَا كَانَ مِنْ عِلَّةٍ إِمَّا قَرْحَةٍ فِي جَوْفِهَا وَ إِمَّا مِنْ الْجَوْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تُعِيدَ الصَّلَاةَ تِلْكَ الْيَوْمَيْنِ الَّتِي تَرَكْتَهَا لِأَنَّهَا لَمْ تَكُنْ حَائِضًا فَيَجِبُ أَنْ تَقْضِيَ مَا تَرَكْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْيَوْمِ وَ الْيَوْمَيْنِ وَ إِنْ تَمَّ لَهَا ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضِ وَ هُوَ أَذْنَى الْحَيْضِ وَ لَمْ يَجِبْ عَلَيْهَا الْقَضَاءُ وَ لَا يَكُونُ الطُّهُرُ أَقْلَ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَإِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ كَانَ حَيْضُهَا خَمْسَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ انْقَطَعَ الدَّمُ اغْتَسَلَتْ وَ صَلَّتْ فَإِنْ رَأَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الدَّمَ وَ لَمْ يَتِمَّ لَهَا مِنْ يَوْمٍ طَهَّرَتْ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَذَلِكَ مِنَ الْحَيْضِ تَدَعُ الصَّلَاةَ فَإِنْ رَأَتْ الدَّمَ مِنْ أَوَّلِ مَا رَأَتْهُ الثَّانِي الَّذِي رَأَتْهُ تَمَامَ الْعَشْرَةِ أَيَّامٍ وَ دَامَ عَلَيْهَا عَدَّتْ مِنْ أَوَّلِ مَا رَأَتْ الدَّمَ الْأَوَّلِ وَ الثَّانِي عَشْرَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ هِيَ مُسْتَحَاضَةٌ تَعْمَلُ مَا تَعْمَلُهُ الْمُسْتَحَاضَةُ الْحَدِيثُ " (حر عاملی، همان، ص ۲۹۹)

فقره اول دلالت دارد بر اینکه خونی که اول دیده با خونی که آخر دیده حیض است و دلالت ندارد بر اینکه نقاء هم حیض است با اینکه در مقام بیان بوده پس همینکه سکوت کرده دلیل بر این است که نقاء طهر است و اگر حیض بود بیان می کرد.





در فقره دوم روایت آمده است اگر زن ۵ روز حیض باشد بعد قطع شود و قبل از ده روز دوباره خون ببیند پس حیض است و در این صورت اگر مدت نقاء را حیض محسوب کنیم ممکن است ایام حیض از ده روز بیشتر شود. چنانکه اگر ۵ روز خون ببیند بعد ۹ روز قطع شود و روز ۱۵ خون ببیند و این خون دیدن قبل از تمام شدن ده روز از ایام پاکی باشد پس حیض است و این ایام از ده روز بیشتر شده است و برای رفع این اشکال باید بگوییم آن ایام نقاء، طهر است. (خوئی، همان)

مرحوم خوئی در پاسخ به این استدلال می‌گوید: **أولاً:** این اطلاق مقامی است و قوام اطلاق مقامی به سکوت است چون حضرت سکوت فرموده و نقاء را بیان نکرده پس معلوم میشود که نقاء است و این روایه در مقام بیان است که فرمود: اقل طهر ده روز است و بعد متفرع فرمود پس تمسک به سکوت و عدم البیان نادرست است. پاسخ صاحب حدائق آن است که؛ به سکوت نمی‌شود استدلال کرد سکوت وقتی دلیل است که از شارع و لو بیان منفصل نرسیده باشد و اینجا روایات مطلقه بیان است. **ثانیاً:** در تنقیح جواب داده که این روایت اگر دلالت بر قول مشهور نکند، بر قول صاحب حدائق دلالت ندارد.

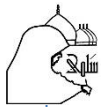
اگر در روایت مبده را زمان انقطاع دم قرار می‌داد، حرف صاحب حدائق درست بود. این زن دو روز خون دیده و بعد از دو روز تا ده روز دیگر دو روز خون دیده در اینجا می‌گفتیم که نقاء طهر است چون اگر نقاء را حیض قرار دهیم حیض اکثر از ده روز می‌شود و لکن روایت اصرار دارد که ده روز از یوم الرؤیه است بعبارتی این که روایت مبده را از زمان رؤیت قرار می‌دهد و می‌فرماید تا ده روز اگر خون دیدی حیض قرار بده برای این است که حیض بیشتر از ده روز نشود و به ذهن می‌زند که این نقاء هم حیض است و إلا اگر نقاء طهر بود لزومی نداشت که بفرماید از زمان رؤیت حساب کن.

ثالثاً: اضافه بر این که شارع مبده را رؤیت قرار داده است شاید از این باب است که

همه حیض است و همه از ده تجاوز نکنند و همین احتمال باعث میشود که روایت منفصل مجمل شود و مرجع اطلاق اولیة (اقل الطهر عشرة) است و اجمال مخصص منفصل به مطلق سرایت نمی کند و اطلاق به حال خودش باقی است.

صاحب حدائق به دو فقره استدلال کرده است که فقره دوم روایت: «وَلَا يَكُونُ الطَّهْرُ أَقْلًا مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَإِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَكَانَ حَيْضُهَا خَمْسَةَ أَيَّامٍ ثُمَّ انْقَطَعَ الدَّمُّ اغْتَسَلَتْ وَصَلَّتْ فَإِنْ رَأَتْ بَعْدَ ذَلِكَ الدَّمَّ وَ لَمْ يَتِمَّ لَهَا مِنْ يَوْمِ طَهَّرَتْ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَذَلِكَ مِنَ الْحَيْضِ» مثلاً پنج روز خون دیده و پنج روز پاک بوده و بعد پنج روز، خون دیده است حضرت فرموده که پنج روز اول با پنج روز دوم حیض است. پس معلوم میشود که پنج روز وسط حیض نیست و الا لازم می آید که حیض بیشتر از عشرة أيام باشد. با این فقره جای جواب تنقیح نیست که به صاحب حدائق اشکال می کرد. بحث در این است که «من یوم طهرت» متعلق به چیست؟ «من یوم طهرت» به «عشرة أيام» می خورد یا به «لم یتم» می خورد؟

صاحب حدائق فرموده: «من یوم طهرت» یعنی ده روز من یوم طهرت و نتیجه گرفته که نقاء نمی شود که حیض باشد ولی مجیبین گفته اند که «من یوم طهرت» به «لم یتم لها» می خورد؛ یعنی کامل نشده از روزی که پاک شده است ده روز از اول. خصوصاً شیخ انصاری فرموده؛ در بعض نسخ کافی به جای «من یوم طهرت» «من یوم طمئت» است که در این صورت صریح در مطلب است. در ذهن ما این است که، این که عشرة أيام تکرار می شود یعنی من البدء و مؤیدش هم این است که تفریح کرده که «لایکون الطهر اقل من عشرة ایام» و کفانا برای اینکه بگوییم استدلال صاحب حدائق نادرست است اجمال قید که آیا به عشرة می خورد یا به لم یتم می خورد. نتیجه حاصله آن که: این روایت یا مؤید قول مشهور است یا مجمل است و خلاف قول مشهور نیست و اگر گفت که ظاهر است بخاطر ارسال می گوییم صلاحیت تقیید ندارد.

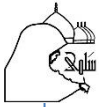


دیگر مستندات

وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: « قَالَ إِذَا رَأَتِ الْمَرْأَةُ الدَّمَ قَبْلَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضَةِ الْأُولَى وَإِنْ كَانَ بَعْدَ الْعَشْرَةِ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضَةِ الْمُسْتَقْبِلَةِ » (حرعاملی همان) وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: « أَقَلُّ مَا يَكُونُ الْحَيْضُ (ثَلَاثَةً) - وَإِذَا رَأَتِ الدَّمَ قَبْلَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضَةِ الْأُولَى وَإِذَا رَأَتْهُ بَعْدَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَهُوَ مِنْ حَيْضَةٍ أُخْرَى مُسْتَقْبِلَةٍ » ظاهر این است که یک روایت است و در دو جا آمده است. صاحب حدائق «قبل عشره ایام» را به زمان انقطاع گرفته است و فرموده نقاء حیض نیست چون لامحاله ایام حیض از عشره بیشتر می شود. قرینه صاحب حدائق ادامه روایت است که می فرماید «و إذا رأته بعد عشره ایام فهو من حیضه اخرى مستقبلة» که این عشره بعد از انقطاع است لذا عدلش هم که «إذا رأت الدم قبل عشره ایام» است بعد از انقطاع است.

دسته سوم روایات: روایت عبدالرحمن بصری؛ «زنی از امام سؤال می کند که بعد از طلاق کی عده اش تمام می شود؟ و امام می فرماید: زمانی که خون ببیند از حیض سوم. راوی می گوید: اگر قبل از ایام پاکی جلوتر خون دید چطور؟ امام می فرماید: اگر قبل از ده روز باشد عده اش تمام نشده و اگر بعد از ده روز باشد پس او از حیض سوم است پس عده اش تمام می شود.» عن عبدالرحمن بن ابی عبد الله البصری: « سألت أبا عبد الله (ع) عن المرأة إذا طلقها زوجها متى تكون أملك بنفسها؟ فقال: إذا رأت الدم من الحيضة الثالثة فهي أملك بنفسها. قلت: فان عجل الدم عليها قبل أيام قرئتها؟ فقال: إذا كان الدم قبل العشرة أيام فهو أملك بها، و هو من الحيضة التي طهرت منها، و إن كان الدم بعد العشرة فهو من الحيضة الثالثة فهي أملك بنفسها.»





مرحوم بحرانی بعد از انقطاع خون، عشره را حساب کرده و عشره را عشره طهر می‌داند. بنابراین اقل طهر را به واسطه این روایت قید زده است. از نظر مرحوم حکیم، سند این روایت بخاطر معلی بن محمد بصری ضعیف است ولی آیت الله خوئی سند آن را به این دلیل که در اسناد کامل الزیارات و تفسیر علی بن ابراهیم قمی وارد شده است مورد وثوق می‌داند ولی دلالتش را تام نمی‌داند؛ چرا که صحت قول او متوقف است بر اینکه منظور از عشره براینکه عشره، عشره طهر باشد ولی قرینه‌ای اقامه نشده است. این روایت ضعیف است و دلالتش هم بر ادعای صاحب حدائق قابل مناقشه است (خویی، همان) بنابراین طبق نظر مشهور، اجماع براینکه کمترین مدت طهر ده روز است اخذ به این روایات را جایز نمی‌دانند علاوه بر اینکه سخن صاحب حدائق لازمه اش این می‌شود که حیض مدت طولانی استمرار داشته باشد و بنا بر فرض جواز تلفیق ساعات، یک حیض تمام مدت عمر طول بکشد و طلاق و عده دچار مشکل شود.

نیز ذکر کرده اند: این روایات اثبات طهر نقاء متخلل را نمی‌کند فقط حکم ظاهری را نسبت به زنی که عادت وقتیه و عددیه‌اش را از دست داده است و با مشکل مواجه شده ثابت می‌کند پس باید به مقتضای احتیاط عمل کند و عباداتش را انجام دهد و محلی برای احتیاط واجب در اینجا وجود ندارد، احتیاط در این مسأله دلیلی برایش نیست با استناد به روایات و اجماع فقها که اقل طهر ده روز است و کمتر از آن ده روز طهر محسوب نمی‌شود. در یک صورت هست که امکان احتیاط وجود دارد و آن جایی است که توالی سه روز نباشد و صفات و شرایط حیض هم یافت نشود در اینجا احتیاط به جمع تروک حائض و اعمال مستحاضه در ایام پاک‌ی بین ایام خون دیدن طریق نجات است. (صفاتی، همان) با توجه به مستندات و دلایل ارائه شده، مراجع عظام در خصوص حکم نقاء متخلل، نظرات متفاوتی ارائه کرده اند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.



نظرات مراجع در مورد حکم نقاء متخلل

اینکه حکم نقاء متخلل در خصوص بانویی که طبق عادت ماهانه سه روز حداقل و یا بیشتر، چهار روز پنج روز خون می‌بیند، بعد در بین یک روز، گاهی دو روز، گاهی سه روز قطع می‌شود. قبلاً شش روز خون دیده، سه روز قطع می‌شود و روز نهم یا دهم مجدداً یک لک می‌بیند، چه می‌باشد،

نظر اول: مرحوم خمینی، مرحوم بهجت، رهبری، مرحوم فاضل و نوری

این روزهایی که بعد از سه روز خون قطع شده و مجدداً بعد دیده و مجموعه‌ی این‌ها از ده روز بیشتر نشده، کل این‌ها حکم حیض را دارد، اگر در این مدت روزه ای گرفته باید قضا کند. «اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنان چه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.» (توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴)

نظر دوم: مرحوم خوئی، مرحوم تبریزی و وحید خراسانی

اگر این خون دوّمی که قبل از ده روز دیده، اوصاف حیض را داشته باشد و یا این که مقارن با ایام عادتش باشد، حکم حیض را دارد و اگر هر دو شرط منتفی بود، این روزهایی که در بین پاک بوده به ظاهر، به حسب واقع هم پاک است، و خون دوم هم استحاضه محسوب می‌گردد. متن فتوایشان این است: اگر سه روز پشت سر هم با نشانه‌های حیض یا در روزهای عادت، خون ببیند و پاک شود مثلاً سه روز چهار روز، پنج روز، خون ببیند بعد یکی دو روز سه روز قطع شود، چنان چه دوباره خونی که دارای نشانه‌های حیض است یا در روزهای عادت است و یا در روزهای عادت است و نشانه‌های حیض را دارد. یکی از این‌ها یا در روزهای عادت است، ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود،



روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است. در حالیکه طبق نظر قبلی خون دوم حتی اگر نشانه های حیض را نداشته باشد و در ایام عادت هم نباشد، نقاء متخلل محکوم به حیض است. (توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴)

نظر سوم: نظر آقایان شبیری زنجانی و مکارم شیرازی

آن روزهایی که در بین ده روز پاک بوده و خون از داخل قطع شده، حقیقتاً محکوم به پاکی است ولو خون دومی که قبل از ده روز دیده، خصوصیات حیض را داشته باشد و یا مقارن با ایام عادت باشد. متن عبارت این دو: «روزهایی که در بین ده روز، پاک بوده و خون او قطع شده حکم حیض را ندارد، بلکه حکم زنان پاک را دارد». (توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴)

نظر چهارم: نظر مرحوم گلپایگانی، آقای سیستانی و آقای صافی

به احتیاط واجب در روزهایی که در وسط پاک بوده کارهایی که بر غیر حائض واجب است انجام دهد و آن چه بر حائض حرام است ترک کند که این احتیاط قابل رجوع است. در نقاء متخلل بین عشره احوط جمع بین احکام طاهر و تروک حائض است، هر چند که اگر از ابتدای حیض بداند که بعداً دوباره خون خواهد دید. در تفصیل بین قرشی و غیر قرشی و همچنین نبطی اشکال است و در صورت شک، حتی الامکان رعایت احتیاط در جمع بین افعال مستحاضه و تروک حائض ترک نشود؛ اما در صورت یقین به حصول شرایط حیض اقرب ترتیب آثار آن می باشد هر چند که در این صورت نیز احتیاط در جمع است. (توضیح المسائل مراجع، م ۴۴۴) و (سیستانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۶)

ثمره‌ی نقاء متخلل در اعمال حج

بیشترین ثمره‌ی بحث نقاء متخلل در عبادات حج، نمایان می‌گردد. که در اینجا به مواردی التفات می‌گردد از جمله؛ حکم اعمالی زنی که دارای عادت مشخص بوده، از حیض پاک شده است و بعد از غسل، اعمال عمره مفرده یا حج را انجام داده است و بعد از پایان اعمال لک دیده است، چند فرض احتمال دارد و در هر فرض چند قول وجود دارد.

اول : مجموع خونریزی اول و لک آخر و استمرار آن از ده روز نگذرد و تمام آن در ایام عادت زن باشد. قسم اول دارای فروض ذیل می‌باشد.

۱- نقاء متخلل در حکم پاک است و طاهر می‌باشد و اعمال انجام شده صحیح است.

۲- نقاء متخلل در حکم حیض است و اعمال انجام شده باطل است و باید طواف و نماز اعاده شود. و طبق نظر برخی اعمال بعد هم باید اعاده شود.

۳- نقاء متخلل نه پاک است و نه حیض بلکه زن در این حالت باید احتیاط کند و جمع کند بین تروک حائض و اعمال مستحاضه. (برخی به نحو فتوی و برخی به نحو احتیاط)

دوم : مجموع خون ریزی و لک آخر و استمرار آن از ده روز نگذرد ولی لک بینی در ایام عادت نبوده و صفات حیض را هم نداشته باشد. در این صورت نیز دو فرض وجود دارد.

۱- نقاء متخلل و لک بینی آخر هم محکوم به حیض است. (اکثر مراجع)

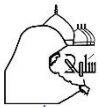


۲- نقاء متخلل و لک بینی آخر محکوم به حیض نیست؛ بلکه نقاء پاک است و لک بینی استحاضه می باشد.

سوم : مجموع خونریزی و لک دیدن از ده روز بگذرد . که ایام عادت حیض است و بعد از آن استحاضه می باشد. و نقاء وسط هم پاک است اجماعا. بنا براین اعمالی که زن انجام داده است اگر در زمانی بوده است که به نظر مرجع او پاک بوده است صحیح است و حج یا عمره وی اشکالی ندارد و اگر در زمانی بوده است که مرجع وی احتیاط واجب دارد باید یا رجوع کند به اعلمی که پاک می داند و یا اعمال را مجددا انجام دهد. و اگر مرجع وی آن را حیض می داند یا فتوی به احتیاط داده است و یا احتیاط نموده و مقلد نمی خواهد رجوع کند باید اعمال را مجددا انجام دهد. (مظاهری، ۱۳۹۹، ص ۳۵-۳۱)

نتیجه

نقاء متخلل، آن پاکی است که در خلل و اثنا و در بین ایام حیض بوده و زمان آن کمتر از ده روز باشد. اکثر علماء بر این اجماع دارند که حکم نقاء متخلل در این ایام عشره حیضیت است. برخی حکم به طهر نموده اند که قابل دفاع نیست و به آن خدشه وارد است و از آنجا که دلیل متقنی بر آن نیست، برخی حکم به احتیاط کرده اند. حکم نقاء متخلل در انجام عبادات خصوصا اعمال حج بسیار تاثیر گذار است، از این رو باید حتما نماز گذار به شرایط خود دقت لازم را مبذول نماید. بطور کلی نظر فقها در خصوص لک بینی بانوان عبارت است از: الف) مجموع خونریزی اول و لک آخر و استمرار آن از ده روز نگذرد و تمام آن در ایام عادت زن باشد. اکثرا نقاء را حیض می دانند. ب) مجموع خونریزی و لک آخر و استمرار آن از ده روز نگذرد ولی لک بینی در ایام عادت نبوده و صفات حیض را هم نداشته باشد. اکثرا تمام را حیض می دانند. ج) مجموع خونریزی و لک دیدن از ده روز بگذرد. که ایام





عادت حیض است و بعد از آن استحاضه می باشد. و نقاء وسط هم پاک است اجماعاً. (د) اقل الطهر عشره انصراف به فاصله بین دو حیض مستقل دارد و شامل موردی که فاصله بین یک حیض باشد نمی شود.

منابع

- ۱- بحرانی، یوسف، ۱۴۰۵، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم
- ۲- حرعاملی، حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم
- ۳- حکیم طباطبائی، سید محسن، ۱۴۱۶، مستمسک العروة الوثقی، مؤسسه دار التفسیر، قم
- ۴- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران
- ۵- سیستانی، علی، ۱۴۱۵، منهاج الصالحین، مکتبه آیه الله العظمی السید السیستانی، قم
- ۶- صفاتی، زهره، ۱۴۲۶، طهارة النساء فی احکام الدماء شرح علی العروة الوثقی، نشرآیات بینات، قم

۷- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۰۹، العروۃ الوثقی فیما تعم به
البلوی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت

۸- طباطبائی یزدی محمد کاظم، ۱۳۹۲، غایه القصوی فی ترجمه عروه الوثقی،
ترجمه عباس قمی، نشر: دینا، تهران

۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، انتشارات هجرت، قم

۱۰- گنجی، مهدی، ۱۳۹۳، جلسات درس خارج فقه، قم

۱۱- گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت، ۱۳۹۴، مناسک همراه (گزیده
ای از مناسک حج)، ناشر: مشعر، تهران

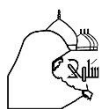
۱۲- مصطفوی الکریم، حسن، ۱۳۶۰، التحقيق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه
و نشر کتاب، تهران

۱۳- مظاهری، منصور، ۱۳۹۹، قواعد فقهی و احکام مورد نیاز در عمره و حج،
گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج و زیارت، تهران

۱۴- معین، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، تهران

۱۵- موسوی خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸، التنقیح فی شرح العروۃ الوثقی، نشر
لطفی، قم

۱۶- موسوی خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۸، الموسوعۃ الامام الخوئی، نشر مؤسسه
احیاء آثار امام خوئی، قم



۱۷- گلپایگانی، محمدرضا، ۱۳۷۱، هدایه العباد لگلپایگانی، ناشر: دار القرآن
الکریم محل نشر: قم

۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴، احکام النساء، ناشر: مدرسه امام علی بن ابی
طالب علیه السلام، قم



فصلنامه سلمی

شماره یازدهم/بهار ۱۳۹۹